

● متولد ۱۳۵۳ مشهد

هر چند عده‌ای تشکیل باشگاه ابومسلم را به سال ۱۳۴۹ و متشکل از فوتبالیست‌های محله سه‌راه شاه عباس مشهد (سه‌راه کاشانی) می‌دانند، آنچه ذکر شده، روایت تیمی محلی است که تنها نام ابومسلم داشته است؛ ازاین‌رو تا اواخر سال ۱۳۵۲ در هیچ جریده و روزنامه‌ای نامی از باشگاه و حتی تیمی به نام ابومسلم خراسان ذکر نشده است. حاج مهدی قیاسی، اولین سرمربی این تیم، در گفت‌وگو با نگارنده نیز به‌طور ویژه تأکید کرد ابومسلم به هیچ عنوان از یک محله نبوده است و بازیکنانی که در این تیم حضور داشته‌اند از کل شهر مشهد بوده و تنها برادران اعظم (حسن و حسین) ازمحله سه‌راه شاه عباس، عضوان تیم بوده‌اند.

حشمت خان مهاجرانی نیز در قسمتی از خاطرات خود با تأکید بر این موضوع گفته است؛ «علاقه به تاریخ و ادبیات در خانواده ما موروثی است، ازاین‌رو برادرانم تیم‌های محلی را که تحت پوشش داشتند، با نام‌های سربداران، پارس، سیاه جامگان و در انتها ابومسلم روانه مسابقات کردند و همین نام آخر را هم برای باشگاه انتخاب کردند. به روایت اسناد، اصغر مهاجرانی سال ۱۳۳۷ با کسب مجوز از پرویز خسروانی، مالک باشگاه تاج، اقدام به تأسیس باشگاهی همنام در مشهد کرده، همان‌گونه که عباس عبداللهیان چنین امتیازی را از دکتر عباس اکرامی، مالک باشگاه شاهین، اخذ و تا زمان انحلال باشگاه شاهین، رقابت اصلی فوتبالی‌های مشهد، میان این دو تیم بوده است. البته اواسط دهه ۴۰ باشگاه پاس نیز با کسب مجوز از همنام تهرانی خود، به عنوان ضلع سوم به این رقابت وارد می‌شود. در سال ۱۳۴۳ مهندس شهرستانی، مدیرعامل شرکت برق، اقدام به تشکیل باشگاه برق و به تبع آن تیم فوتبال برق می‌کند که پس از مدتی نام آن به آریا تغییر می‌یابد. با انحلال باشگاه شاهین در تبرماه ۱۳۴۶ بازیکنان این تیم پس از مدتی انتظار، غالباً به باشگاه آریا می‌پیوندند و تعداد کمی هم به عضویت پاس در می‌آیند و ازاین پس تا سال ۱۳۵۳ تنور باشگاه‌های مشهد توسط این دو تیم گرم نگه داشته می‌شود. رغبت نداشتن فوتبالیست‌های شاخص به عضویت در تاج مشهد، مخالفت قدراسیون فوتبال با حضور تیم‌های همنام در جام تخت جمشید و از همه مهم‌تر افول قدرت خسروانی و باشگاه تاج در مقابل کامبیز آتابای، رئیس فدراسیون فوتبال، برادران مهاجرانی را که افرادی سیاسی و باندبیر هستند، برآن می‌دارد تا با نام جدیدی در مسابقات حضور یابند، البته ناکامی ممتد آریا و پاس در رقابت‌های زیرگروه باشگاه‌های کشور و راه نیافتن به جمع تیم‌های برتر نیز مزید بر علت شد تا ابومسلم شکل بگیرد. ازاین‌رو سال ۱۳۵۳ آگهی ثبت باشگاه ابومسلم در جراید درج و ابومسلم با مالکیت اصغر مهاجرانی (مالک سابق باشگاه تاج مشهد) ثبت رسمی شد.

● حضور در جام تخت‌جمشید

ابومسلم پس از تشکیل در سال ۱۳۵۳ بلافاصله در رقابت‌های زیرگروه لیگ به میدان رفت و با وجود میزبانی نتوانست به لیگ سوم تخت جمشید صعود کند. اما با افزایش تعداد تیم‌های این جام از دوازده به شانزده تیم، با تک‌ماده به جام سوم رسید. آن‌ها در زیرگروه با لباس قرمز در رقابت‌ها حاضر شدند و بعد لباس راه‌آره اسپید و مشکی را انتخاب کردند و هنگامی که به لیگ تخت جمشید راه یافتند، لباس مشکی و قرمز آت میلان ایتالیا را الگو قرار دادند و با تغییراتی که بر جزائیت و چشم‌نوازی آن افزود، لباس معروف خودشان را پوشیدند.

ابومسلم در لیگ سوم تخت جمشید که اواخر اسفند ۱۳۵۲ آغاز شد، با ترکیبی کاملاً غیربومی و با مربیگری عباس رضوی، نیم‌فصل اول را ضعیف و متزلزل آغاز کرد اما با تغییر مربی و استفاده مجدد از حاج مهدی قیاسی در پایان فصل در جایگاه پنجم قرار گرفت و بهترین تیم شهرستانی شد. آن‌ها در لیگ چهارم با مشکل مواجه شدند و تنها پس از دو فصل حضور در سطح اول، مسافر لیگ دو شدند. آن‌ها سال ۱۳۵۶ با تغییر و تحولات بسیار و سپردن مجدد سکان هدایت تیمشان به یک غریبومی (محسن حاج نصرا…) در دسته دوم کار را آغاز کردند و در یک رقابت میلی متری با سپیدرود رشت، آزارات تهران و رستاخیز خرمشهر، راهی دسته اول شدند. درحالی‌که بین راه مربی‌شان را هم تعویض کرده و فرامرز نهاوندی را برای نشستن روی نیمکت آورد بودند. ابومسلمی‌ها برای حضور پر قدرت در بالاترین سطح فوتبال کشور، مجددا سراغ مرد نام‌آشنای فوتبال خراسان، یعنی حاج مهدی قیاسی رفتند.

اما ناتمام ماندن رقابت‌های لیگ ششم تخت جمشید در سال ۱۳۵۷ عملاً پایانی بود بر راه ابومسلم و برادران مهاجرانی. بعد از آن هرتیمی که به نام ابومسلم در رقابت‌های کشوری شرکت کرده، نه تنها غیرشخصی بوده که نامش همراه با پسوند یا پیشوندی ادا شده است.

● سال‌های دور از کشور (۱۳۵۸ تا ۱۳۶۹)

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، عملاً تا سال ۱۳۶۰ خبر چندان‌ی از ورزش و فوتبال نیست و سپس از آن، چراغ رقابت‌های باشگاه‌های مشهد، آن‌هم نه چندان پرفرغ، روشن شد تا ابومسلم در اولین گام رقابت را به تیم تازه‌تأسیس هواپیمایی واگذار کند و

نگاهی به شکل‌گیری و رشد معروف‌ترین تیم مشهدی که این روزها دوباره به میدان برگشته وبا استقبال بی‌نظیر هوادارانش مواجه شده است

«ابومسلم»، امید فوتبال مشهد



تیم فوتبال ابومسلم در سال ۱۳۶۰

ایستاده از راست: علیرضاگیل عرب، اکبر میثاقیان، امیررضا شکاری، حسین عبادزاده، ناصر توفیقی، منصور فتحعلی زاده،نشسته از راست: سعید صیامی، کاظم غیاثیان، محمد اعظم، علی اصغر جانداری و محمود محمدنژاد

حسین نخعی شریف؛ باشگاه فوتبال ابومسلم مشهد یکی از باشگاه‌های قدیمی و بااصالت ایران است که از دهه۵۰ تا امروز فعال است. این فعالیت البته همیشه تداوم نداشته و در پره‌های زمانی مختلف، شده است که هیچ نام‌نشانی از این باشگاه خراسانی در فوتبال کشور نباشد، کما اینکه از فصل۱۳۹۲ فوتبال ایران که ابومسلم به دلیل نداشتن حامی مالی آخرین حضور فوتبالی خود را در کشور تجربه کرده تا امسال، هیچ نشانی از آن نبوده است.

امسال اما داستان فرق می‌کند و تیم قدیمی مشهدی‌ها دوباره با نام «ابومسلم ثامن»، برگشته است. اگرچه این برگشت مربوط به لیگ دسته سوم فوتبال ایران است اما برای مشهدی‌ها و دوستداران این تیم چندان مهم نیست. آن‌ها هریازی به ورزشگاه امام رضا^e می‌روند تا از تیم خودشان حمایت کنند. حضور پرشور همین تماشاگران در مسابقات ابومسلم سبب شده است که در این شماره تاریخ‌وهویت به شکل‌گیری و رشد این تیم مشهدی پردازیم.



مراسم آغازین مسابقه پرسپولیس و ابومسلم در هفته بیست و یکم پنجمین دوره جام تخت جمشید پنجشنبه ۲۲ مهر ماه۱۳۵۵ امجدیه، محمود ابراهیم زاده و علی پروین درحضور محمد صالحی داور



بازی ابومسلم و هما در چارچوب هفته دوازدهم از پنجمین دوره جام تخت جمشید در ورزشگاه امجدیه ۲۲ مرداد ماه ۱۳۵۵/ رضا قلیچ خانی و اکبر میثاقیان (چپ) درتقابل با نعیم صفری و حبیب علیزاده

و با مدیریت دکتر محمود حاج رضایور، سال‌های طلایی این تیم بود تا فارغ از مسائل مادی فقط به فوتبال فکر کند، اما مسائل دست‌به‌دست هم داد تا خوشگوا‌ری‌ها اگر بار دیگر کلا‌هشان هم سمت ورزش بیفتد، رغبتی برای برداشتن آن نداشته باشند. مشک‌ی‌ها پس از دو سال تلاش، سرانجام در سال سوم و درحالی‌که خوشگوار فقط بخشی از هزینه‌ها را متحمل شده بود، با مدیریت مهندس تکفلی، به سختی جواز حضور مجدد در سطح اول فوتبال کشور را یافتند. به این ترتیب ابومسلم پس از پنج سال‌ده دوری از سطح اول فوتبال کشور در فصل ۱۳۷۸–۱۳۷۷، یعنی در هشتمین دوره جام آزادگان، مجددا در جمع شانزده تیم این جام قرار گرفت و در پایان نیز در جایگاه هشتم نشست. در فصل بعد، یعنی نهمین دوره جام آزادگان، ابومسلم با ۲۸ امتیاز، رتبه یازدهم را میان چهارده تیم حاضر کسب کرد و به لیگ دسته دوم سقوط کرد تا در دهمین و آخرین دوره جام آزادگان که با حضور دوازده تیم در فصل ۱۳۸۰–۱۳۷۹ برگزار شد، خراسان هیچ سهمیه‌ای نداشته باشد.

● ابومسلم در لیگ برتر(۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹)

برای مشهدی‌ها، بعد از ابومسلم قبل انقلاب و حتی شاید فراتر از آن، نام ابومسلم ناجا دل نشین و یادآور خاطرات شیرین است. حضور بازیکنان سریاز، ثبات مدیریتی واز همه مهم‌تر بازی‌های قدرتی که ورزشگاه سعدآباد مشهد را به قلعه عقاب‌ها معروف کرده بود، همه‌وهمه، دست‌آورد این سال‌هاست. دست‌آوردی که برآثر سیاست غلط مسئولان نیروی انتظامی در سال ۱۳۸۴ رنگ باخت و نه‌تنها منجر به نابودی ابومسلم شد، بلکه تیم مطرح و باریشه پاس را هم به بی‌تربیت



مریبان این تیم بودند. مصطفی‌بنی‌اسد هم مدیرعامل این تیم بود، تیمی که به اذعان همه کارشناسان پتانسیل قهرمانی داشت. اگر کمی اوضاع تیم آرام‌تر و حمایت ویژه استانی همراهش بود، البته نباید از صداقت نداشتن و ناکارآمدی مدیر نظامی‌اش هم به‌سادگی گذشت. نماینده خراسان فصل هشتم با ۱۲۵ امتیاز در جایگاه پانزدهم قرار گرفت تا روز آخر از سقوط بگریزد و پیام، دیگر نماینده خراسان، در اولین و آخرین حضورش به همراه دو تیم دیگر سقوط کند. هادی برگی‌زر و سپس علی حنطه، سکان‌داران این تیم بودند. در اس باشگاه هم بنی‌اسد و پس‌از او حسین قاسمی قرار گرفتند، مردی که می‌خواست ژان تیگانا و استویچکوف را به عنوان مربی به مشهد بیاورد، اما فقط فقط حرف زد و وعده‌های توخالی به هوادار تحویل داد. فروش سهام باشگاه هم در همین زمان کلید خورد، فاجعه‌ای که هنوز هم پس از سال‌ها معلوم نیست سهام به چه میزان ریالی و چه تعداد فروخته شد و اکنون آن مبالغ کجاست. فصل نهم لیگ برتر و رقابت‌های سال ۱۳۸۹–۱۳۸۸ برای ابومسلم آغاز یک پایان بود. مشک‌ی‌پوشان با کسب رتبه هفدهم با لیگ برتر خدا حافظ‌ی کردند، و داعی که دیگر به وصل مبدل نشد. ناصرپورمهدی و سپس علی حنطه به عنوان مربی و مهدی زمان به عنوان صاحب باشگاه، نقش آفرینان این اتفاق تلخ بودند. اتفاقی که البته شورای پنج نفره ورزش استان را هم باید در آن سهمید دانست، شورایی که بدون تحقیق و راستی‌آزمایی، فریب وعده‌های مهدی زمان را خورد.

● ابومسلم در سرآشیبی

دهه ۰۰ پر از اتفاق‌های عجیب‌وغریب برای ابومسلم شد. شروع جنگ مالکیت برای تصاحب تیم منجر به آشکارشدن قراردادهای مشکوک بازیکنان و کادر فنی شد. پس از آن نحوه هزینه‌کرد وام‌های دریافتی مالکان تیم به پشتوانه اعتبار باشگاه رو شد تا مشخص شود هیچ‌گربه‌ای محض رضای خدا، برای ابومسلم موش نگرفته است، پرونده‌ای که پای همه مالکان ابومسلم بعد از خروج ناجا در آن گیر بود و هنوز هم هیچ مسئولی پاسخ درستی به آن نداده است، حتی کلیات پرونده برخی از همین افراد که مدتی آب‌خنک هم خوردند، هیچ‌گاه منتشر نشد تا حقیقت همچنان مهروموم بماند. روشدن این تخلفات و ناتوانی مهدی‌زمان در اجرای تعهدات، دوباره پای شورای پنج نفره ورزش استان را به میان کشید. این بار با تیم به اسماعیل وفایی واگذار شد. شورای پنج نفره در حالی تیم را به وفایی واگذار کرد که همه دل سوختگان و اصحاب رسانه با انتشار لیست بد‌هی و حتی برفنده‌های مفتوح وی در قوه قضاییه، مخالف این کار بودند، اما شد آنچه نباید می‌شد.

ابومسلم با همه این مشکلات در لیگ یک در فصل ۱۳۹۰–۱۳۸۹ با مربیگری سید کاظم غیاثیان و بعد از او علی حنطه با رتبه دهم در دسته اول ماندگار شد. فصل بعد این بار با مربیگری خداداد عزیزی در جایگاه ششم ایستاد. فصل ۱۳۹۲–۱۳۹۱ و در سومین حضور در لیگ یک با مربیگری غلام‌پیروانی و بعد مجدداً خداداد عزیزی، باز هم در جایگاه ششم ایستاد و راهی به لیگ برتر نیافت، البته این تیم در این سال‌ها بیشتر از اینکه مشکل فنی داشته باشد، مشکل مالی و مدیریتی و حتی مالکیتی داشت.

فصل ۱۳۹۱–۱۳۹۲ بار دیگر بحث مالکیتی باشگاه اوج گرفت و بازم هم شورای محترم پنج نفره ورزش استان به ماجرا ورود کرد و در دعوی مالکیتی وفایی و عباسی، حق را به اولی داد؛ بعد عباس چندینا به عنوان مربی انتخاب شد، اما پس از مدت‌ کوتاهی وی توسط وفایی عزل شد تا این بار اداره کل ورزش و جوانان استان به عنوان مدعی مالکیت وارد این کلاف سردرگم شود و از این تاریخ، ابومسلم دقیقه‌شد تا دو تیم، هم‌زمان با یک نام با دو مربی در دو مکان تمرین کنند، اتفاقی که دست مایه طنز و تمسخر فوتبال مشهد شد. داستانی که سرانجام با شکست اداره کل و پایان رسید، اما باعث فراری شدن بازیکنان و فرصت‌طلبی کامل شد تا یک تیم ضعیف و بدون پشتوانه مسئولان استان روانه مسابقات شود. آن‌هم درحالی‌که سه هفته از شروع رقابت‌ها گذشت بود. بی‌پولی و بی وفایی و دورزنشاد، کار خداداد و تیم به سقوط به دسته پایین‌تر ختم شد و پایان ماجرا را هم که همه می‌دانیم، ایراد به نام ابومسلم وحذف برای همیشه از تاریخ فوتبال. حالا پس از ۱۰ سال تیمی به نام ابومسلم ثامن شکل گرفته، تیمی که در دسته سوم باشگاه‌های ایران توب می‌زند و در نخستین مسابقه، ۲۵ هزارفر برای دیدنش به ورزشگاه آمدند. آن‌هم در روزی که تابوی حضور بانوان در ورزشگاه‌های مشهد شکست، تیمی که به اذعان همه کارشناسان از بعد فنی ضعیف و دارای نقائص فراوان است اما همین تیم توانسته است از مشهدی‌ها دل‌ربایی کند، مسئله‌ای که چرایی و چگونگی آن می‌تواند یک موضوع جذاب و البته چالشی باشد.